

تجربیات هدایت هدفمند اعتبارات بانکی به سمت تولید، همراه با سیاست‌های مکملی چون مالیات بر عایدی سرمایه، می‌تواند راهکاری مؤثر برای رونق تولید و مهار تورم باشد. تجربه کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی، موفقیت این رویکرد را در صورت اجرای صحیح و نظارت دقیق نشان می‌دهد.

در گزارش حاضر، ضمن بررسی عمیق این چالش‌ها، راهکارهایی عملی برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه داده شده و بر لزوم هدایت هدفمند اعتبارات بانکی به سمت تولید تأکید می‌کند. البته هدایت اعتبار به معنای فربه شدن بنگاه‌های بزرگ اقتصادی معنا می‌شود اما توسعه و پیشرفت مبتنی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط، رضایت بیشتری در مردم ایجاد می‌کند؛ چرا که افراد بیشتری را در مقایسه با رشد دادن بنگاه‌های بزرگ از یکک اقتصاد بهره‌مند می‌سازد.

تجربه‌های آسیایی

کشورهایی مانند ژاپن، کره‌جنوبی و چین، با به‌کارگیری موفق سیاست‌های هدایت اعتبار، توانسته‌اند به پیشرفت‌های چشمگیری در توسعه صنعتی و اقتصادی دست یابند.

بانک مرکزی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، با همکاری بانک‌های تجاری، سیاست‌های هدایت اعتبار را با هدف توسعه صنایع کلیدی اجرا کرد. این سیاست‌ها، با تعیین سهمیه‌های اعتباری برای بخش‌های اولویت‌دار و نظارت دقیق بر عملکرد بانک‌ها، به رشد سریع اقتصادی این کشور کمک شایانی کرد. کره جنوبی نیز با استفاده از ابزارهایی مانند اوراق اعتباری و مشوق‌های مالیاتی، توانست سرمایه‌گذاری در صنایع صادرات‌محور را افزایش داده و به یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل شود.

و بیشتر وام‌دهی‌ها به همین گروه‌های مشخص هدایت شده است. ایجاد شرکت خودروسازی میتسوبیشی در سال ۱۹۶۵ به‌رغم دستورالعمل وزارت صنعت و تجارت بین‌الملل ژاپن در مورد عدم ورود به تولید این کالا، یکی از این موارد است. همچنین در کره‌جنوبی نیز بزرگ‌ترین دغدغه سیاست‌گذاران در پر و پمال دادن به بخش‌های بهره‌ور، بزرگ بودن مقیاس آن صنایع بود. مجتمع شرکت‌های بسیار بزرگ کره، معروف به «چبول»، متشکل از رشته‌های کاملاً متنوع فعالیت و نوعاً با مالکیت و مدیریت خانوادگی است. چبول‌ها شبیه تراست‌های آمریکایی قرن بیستم و زایناتسوه‌های ژاپنی هستند. فعالیت

اقتصادی

کشورهایی مانند ژاپن، کره‌جنوبی و چین، با به‌کارگیری موفق سیاست‌های هدایت اعتبار توانسته‌اند به پیشرفت‌های چشمگیری در توسعه صنعتی و اقتصادی دست یابند.

از طریق بازار کالا یا بازار مالی دوباره به بنگاه بازمی‌گشت و این پول ایجاد شده با بازپرداخت وام بنگاه به بانک، از بین می‌رفت.

به عبارتی، نتوان وام‌دهی بانک‌ها ربطی به میزان پس‌انداز ندارد. در واقع بر خلاف ادعای

تجربیات آسیایی و اروپایی در هدایت اعتبار

«چبول‌ها» در تمامی زمینه‌های صنعتی است. آنها در طیف وسیعی از صنایع الکترونیک، کشتی‌سازی، ساختمان‌سازی تا شرکت‌های انتشاراتی، بیس‌بال و تیم‌های بسکتبال و فوتبال و هتل‌داری فعالند.

ساختار انگیزشی هدایت اعتبار در شرق آسیا
کشورهای شرق آسیا اقدامات مختلفی تحت عناوین «اعتبار صادراتی»، «برنامه‌های

نقاط قوت مشترک در اجرای سیاست‌های هدایت اعتبار در کشورهای شرق آسیا؛ نظارت مستمر و ماهانه بر عملکرد بانک‌ها در اجرای دستورالعمل‌ها، استفاده از ابزارهای قیمتی سیاست پولی برای تعیین نرخ بهره و عدم تعیین دستوری آن، وجود سازوکار انگیزشی مناسب برای رعایت دستورالعمل‌ها توسط بانک‌ها و تمرکز سیاست‌های هدایت اعتبار بر بانک‌هایی که نفوذ مقام ناظر بر آن‌ها بیشتر است.

چین از سال ۱۹۹۸ تاکنون، با به‌کارگیری سیاست‌های هدایت اعتبار، توانسته است ضمن حفظ رشد اقتصادی بالا، از بروز بحران‌های مالی جلوگیری کند. بانک مرکزی چین با تعیین سقف رشد اعتبارات برای بانک‌ها و ارائه دستورالعمل‌های مشخص برای تخصیص وام به بخش‌های اولویت‌دار، نقش مهمی در هدایت منابع مالی به سمت فعالیت‌های مولد ایفا کرده است.

نقاط قوت مشترک در اجرای سیاست‌های هدایت اعتبار در این کشورها، نظارت مستمر و ماهانه بر عملکرد بانک‌ها در اجرای دستورالعمل‌ها، استفاده از ابزارهای قیمتی سیاست پولی برای تعیین نرخ بهره و عدم تعیین دستوری آن، وجود سازوکار انگیزشی مناسب برای رعایت دستورالعمل‌ها توسط بانک‌ها و تمرکز سیاست‌های هدایت اعتبار بر بانک‌هایی‌که نفوذ مقام ناظر بر آن‌ها بیشتر است، بوده است.

هدایت اعتبار در شرق آسیا

یکی از راهبردهای اصلی کشورهای شرق آسیا برای رونق تولید، اجرای برنامه هدایت اعتبار بود.است.

در این راستا، این کشورها اقدامات مختلفی تحت عناوین «اعتبار صادراتی»، «برنامه‌های

بهینه‌سازی» و «همتیاژ بانک» را در دستورکار قرار دادند تا از این طریق، جهت‌گیری خطوط اعتباری بانکی را به سمت بخش‌های تولیدی، به ویژه بنگاه‌های بزرگ صنعتی، هدایت کنند. برنامه هدایت اعتبار در کشورهای ژاپن، کره‌جنوبی، چین و تایوان به نام «هنجره هدایت» در تایلند با نام «طرح برنامه‌ریزی اعتباری» شناخته می‌شود.

در زمینه انتخاب بخش‌های مهم اقتصادی، کشورهای شرق آسیا برای آنکه در اجرای سیاست اعتباری، هماهنگی و نظارت بالا صورت بگیرد تمرکز اقتصادی را بر تعداد محدودی از گروه‌های صنعتی بزرگ قرار داده

اقتصاد متعارف، افزایش پس‌انداز نقشی در افزایش توان وام‌دهی سیستم بانکی ندارد و پس‌انداز صرفاً نقش کاهش سرعت گردش پول و عدم استفاده از قدرت خرید را دارد. بنابراین امکان اینکه بنگاه‌ها بتوانند طرح‌های تولیدی خودشان را انجام دهند، در دستان پس‌اندازکنندگان و خواست آنها به عرصه مقادیر کافی از پس‌انداز نیست بلکه بیشتر در دستان بانک‌ها و تمایل آنها به عرضه نقدینگی مورد نیاز است .

نقش کلیدی صادرات در برنامه هدایت اعتبار
در کشورهای شرق آسیا، صادرات ملاک قضاوت درباره موفقیت برنامه اعتبار و مجوزهای صنعتی بودن، به کاربردن صادرات به‌عنوان یک ملاک عملکردی منافع اقتصادی قابل توجهی داشت. در واقع موفقیت یک شرکت در بازار صادرات شاخص خوبی برای کارایی اقتصادی و به مراتب بهتر از موفقیت در بازار داخلی است؛ زیرا بازارهای صادراتی احتمالاً بسیار رقابتی‌تر از بازارهای داخلی است.

در این فرایند، برای پرداخت اعتبار پول خلق می‌شد و پس از بازپرداخت اقساط، پول از چرخه اقتصاد خارج می‌شد. در واقع مطابق با چرخه پولی تولید، اعتباری که بنگاه‌ها در قالب وام از بانک‌ها دریافت می‌کردند(تأمین مالی اولیه)، از طریق پرداخت به عوامل تولید(مانند دستمزدها)

از چهار بانک دولتی(SOCBs) برداشته و برنامه هدایت اعتبار به سبک ژاپن(طراحی مکانیزم‌های تشویقی و تنبیهی بازاری برای بانک‌ها موسوم

به پنجره هدایت) جایگزین وام‌دهی اجباری شد. دولت چین تا به امروز کنترل اصلی بر نهادهای بانکی خود را حفظ کرده و کنترل این بخش مهم را به بخش خصوصی واگذار نکرده است. در چین همانند ژاپن، اغلب وام‌های سیستم بانکی به سمت بنگاه‌های بزرگ سوق داده شد. در واقع سیاستمداران چین بیشترین تأثیر را از شیوه‌ای گرفتند که در آن دولت ژاپن توانسته بود رشد سریع شرکت‌های بزرگ را به‌طور هوشمندانه برنامه‌ریزی و هدایت کند.

دولت مرکزی چین تقویت و ایجاد گروه‌های اقتصادی بزرگ را، همانند ژاپن، ابزاری مناسب برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی خود می‌دانست.

ملی‌سازی اعتبارات بانکی در کشورهای اروپایی
پس از اتمام جنگ جهانی دوم، عمده کشورهای صنعتی مخصوصاً در اروپا برای بازسازی اقتصادی اقدام به کنترل و هدایت وام‌دهی نظام بانکی با روش‌های مستقیم کردند. این سیاست‌ها عمدتاً بر «ملی‌سازی اعتبار» و «کنترل اعتبار» به سمت بخش‌های واقعی اقتصاد متمرکز بوده است. ملی‌سازی اعتبار



از برنامه اصلاحات اقتصادی سال ۱۹۷۸ اجرا شد. این اتفاق هنگامی رخ داد که چین طی رهبری مائو دچار رکود اقتصادی بزرگی بود و همزمان شدن طرح «جهش بزرگ رو به جلو»(از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۰) با بلایای طبیعی سیل و خشکسالی، موجب قحطی گسترده و مرگ بیش از ۴۵ میلیون نفر در این کشور شده بود (credit controls» و «corset»؛ «credit controls» در آلمان و اتریش با «Kredit-Plafondierung» در ایالات متحده با «credit controls» و در فرانسه با «encadrement du credit» شناخته می‌شد. همچنین اشکال مختلفی از کنترل‌های وام‌دهی

پس از اتمام جنگ جهانی دوم، عمده کشورهای صنعتی مخصوصاً در اروپا برای بازسازی اقتصادی اقدام به کنترل و هدایت وام‌دهی نظام بانکی با روش‌های مستقیم کردند. این سیاست‌ها عمدتاً بر «ملی‌سازی اعتبار» و «کنترل اعتبار» به سمت بخش‌های واقعی اقتصاد متمرکز بوده است. ملی‌سازی اعتبار به معنای آن است که دولت باید شبکه‌ای از نهادهای عمومی، خصوصی و سازمان‌های نظارتی را سازمان‌دهی کند تا تأمین مالی اولویت‌های اجتماعی و اقتصادی را مورد ضمانت قرار دهند.

کشورهایی مانند ایتالیا، سوئد، هلند، آفریقای جنوبی و نیوزلاند در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ گسترش پیدا کرد. در بین کشورهای اروپایی سیاست‌های برنامه هدایت اعتبار(برنامه اعتباری) تأسیس کرد.

در سال ۱۹۶۴ نیز سه بانک سیاستی دولتی یعنی بانک توسعه کشاورزی، بانک توسعه و بانک صادرات- واردات چین برای به‌مهده گرفتن وظایف وام‌دهی سیاستی از چهار بانک دولتی ایجاد شد.

پس از جنگ جهانی دوم سیاستمداران فرانسوی، سرمایه‌گذاری و ملی‌سازی اعتبار را دو اولویت اقتصادی و سیاسی خود قرار دادند.

صفحه ۸

سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴

۱۶ شوال ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۳۳

سیاست هدایت اعتبار در آلمان بسیار وسیع بوده است؛ به‌طوری‌که به‌سبب تأثیر گسترده کنترل‌های اعتباری اعمال‌شده توسط ایلمار شناخت، از او به عنوان دیکتاتور اعتباری یا دیکتاتور اقتصادی یاد شد.

بانک مرکزی آلمان برای عملیاتی کردن سیاست هدایت اعتبار، مجموعه‌ای از مکانیسم‌های تنبیهی و تشویقی(مانند نرخ تنزیل مجدد و سهمیه‌های رشد وام‌دهی) برای بانک‌ها در نظر گرفت که مهم‌ترین آن تهدید بانک‌ها به قطع از منابع بانک مرکزی(پایه پولی) در صورت سرسریچی از دستورات کمی و کیفی بانک مرکزی بود.

به‌طور مثال در یک یادداشت داخلی رایش‌بانک در سال ۱۹۲۴ به بانک‌های تجاری، به‌طور فاطعانه‌ای بیان می‌شود که بانک مرکزی ابزارهای قبیل بیشتری برای اعمال فشار در اختیار دارد که در به‌کارگیری آنها تأخیر و تردید

تجربیات هدایت هدفمند اعتبارات بانکی به سمت تولید، همراه با سیاست‌های مکملی چون مالیات بر عایدی سرمایه، می‌تواند راهکاری مؤثر برای رونق تولید و مهار تورم باشد. تجربه کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی، موفقیت این رویکرد را در صورت اجرای صحیح و نظارت دقیق نشان می‌دهد.

نمی‌کند. همچنین در سال ۱۹۲۴ هیئت‌مدیره رایش بانک در اطلاعیه‌ای به تمامی شعب خود اعلام کرد که از اکراه و انتقاد گه‌گاه بانک‌ها به سیاست هدایت اعتبار مطلع است. با این حال بانک مرکزی آلمان پافشاری فاطعانه خود در این سیاست را به تمامی شعب خود اعلام می‌کند.

در آلمان در سال ۱۹۳۵ بانک‌ها ملزم به افشای جزئیات اسامی بدهکاران دریافت‌کننده وام‌های کلان(بیش از یک میلیون رایش‌مارک) هر دو ماه یکبار برای مقام ناظر بانکی شدند. همچنین رایش‌بانک اطلاعات و داده‌های هدایت اعتبار را که بانک‌ها مجبور به ارسال آن بودند را منتشر نمی‌کرد و این اطلاعات تقریباً محرمانه بود.

جایگاه ویژه بانک‌ها در اجرای هدایت اعتبار آلمان
در آلمان تئوری‌هایی که هدایت اعتبار را پیشنهاد می‌کردند کمی، به سمت گسترش سودها از بازارهای سهام یا سرمایه را منع می‌کردند و به جای آن سیستم اقتصادی بانک محور را پیشنهاد می‌دادند؛ زیرا به‌طور سازمانی هدایت جریان منابع در بازار سرمایه بسیار پیچیده‌تر بود و همچنین به خلاف بانک‌ها، بازار سرمایه پول جدید خلق نمی‌کند.

در واقع تأمین مالی سهمی در خدمت سهامداران است و ممکن است اقتصاد را به جای گسترش کمی، به سمت گسترش سودها سوق دهد. علاوه‌بر این، با به‌سامداری بانک‌ها به بنگاه‌ها، بانک‌ها به جای افزایش نرخ بهره، از افزایش وام‌دهی سود می‌برند که این افزایش نیز بستگی به رشد سریع شرکت و بنابراین نیساز آنها به وام‌دهی دارد. دلیل دیگر ترجیح تأمین مالی بانکی به سهامی، سرعت در تأمین مالی صنایع اولویت‌دار(که نیاز به حجم زیادی از نقدینگی دارند) نسبت به روش سهامی و با ارواق بدهی بود.

بانک مرکزی آلمان بخش کشاورزی، کارتل‌های بزرگ و بنگاه‌های صادرات‌محور را مورد توجه و هدف هدایت اعتبار قرار می‌داد. در میان بخش‌هایی که در اولویت قرار نگرفتند اعتبار برای مصرف، کالاهای لوکس و جلوگیری از سفته بازی بود. بانک مرکزی بر میزان اعتباری که توسط بانک‌ها برای خرید ارز خارجی مورد

استفاده قرار می‌گرفت نیز نظارت می‌کرد. اعتبار بانک مرکزی نباید خرید ارزی از خارج می‌گردد. توجه اقتصادی نداشت به‌کار گرفته می‌شد. در واقع کنترل‌های ارزی به‌طور عمده برای تخصیص در صنایع اولویت‌دار و صادرات‌محور مورد استفاده قرار می‌گرفت. ایلمار شناخت به دنبال حذف ظرفیت مازاد، کاهش هزینه‌های صنعت از طریق گسترش تولید انبوه، افزایش تمرکز صنعت و ادغام شرکته‌ها بود. از این‌رو تمرکز صنعتی و تعداد کارتل‌ها به‌طور مداوم در دهه ۱۹۲۰ افزایش یافت.

مسیر اقتصاد

وزارت صمت که ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ برقرار شد اعلام کرد که برنامه دولت جایگزینی برق خورشیدی را سوخت‌های فسیلی است! این درحالی است که با این جایگزینی مشکل کمبود انرژی برق نه‌تنها در زمستان‌ها که با کاهش تاب‌خورشید مواجهیم حل نمی‌شود بلکه در تابستان در هم ساعت یک‌مصرف با چالش‌هایی روبه روست و در واقع با اکتفا به این اقدام موقت و البته هزینه‌بر از هدف اصلی که ساخت نیروگاه هسته‌ای است دور می‌شوید. درحال حاضر احداث یک مگاوات برق خورشیدی ۶۰۰ هزار دلار هزینه دارد و بهتر است آقای پزشکبان بفرمایند چرا اولویت دولت، جایگزینی برق هسته‌ای نیست؟ طبق گفته آقای محمد اسلامی؛ رئیس سازمان انرژی اتمی، با رانداازی دو واحد نیروگاه هسته‌ای، سالانه ۱۰ میلیون بشکه نفت و یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون مترمکعب گاز صرفه‌جویی و از انتشار هفت میلیون تن گازهای آلاینده جلوگیری می‌شود.

اینجاست که دولت می‌تواند با انتخاب بستری امن یعنی ساخت نیروگاه هسته‌ای، برقی پایدار برای تمامی فصول سال برای کشورمان تهیه کند و با اولویت ساخت نیروگاه اتمی بر دیگر نیروگاهها، از فرصت طلایی به وجود آمده برای توسعه نیروگاه اتمی بوشر و ساخت نیروگاه‌های جدید بوشر روسیه بهره جوید علی‌الخصوص با کشورمان با تحريم‌های سابقه‌ها و ظالمانه آمریکا و متحدانش در این زمینه مواجه بوده و توسط هیچ کشوری دیگری در این زمینه پشتیبانی خود را تأمین کند.

کند وقتی دیگر!؟

آقای پزشکبان در نسنستی با وزیر و مدبران

مجید صباغیان‌هاتف

برق‌هسته‌ای

نیاز امروز و فردای ایران

برق خود را بر روی نیروگاه‌های هسته‌ای قرار داده‌اند. به طور مثال فرانسه ۷۰درصد برق مورد نیاز خود را از نیروگاه‌های هسته‌ای توجّه نکرده است؛ و این درحالی است که ایران با سهم کمتر از دو درصد برق تولیدی هسته‌ای بعد از امارات قرار گرفته است. امارات در حال حاضر ۲۵ درصد برق خود را از طریق نیروگاه هسته‌ای خود تأمین می‌نماید.البته جمعیت امارات و در نتیجه مصرف برق این کشور، بسیار کمتر از ایران است.

در شرایطی که بر اساس مصوبات مجلس شورای اسلامی قرار بود ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای تولید کنیم اما با پذیرش برجام در دولت آقای روحانی این روند متوقف شد. درحالی که در دولت آقای احمدی‌نژاد، میزان تولید مواد غنی‌شده برای تأمین برق هسته‌ای به ۱۱ تن رسیده بود با انعقاد قرارداد برجام ذخایر غنی‌شده به ۳۰۰ کیلوگرم کاهش پیدا کرد. همین مسئله باعث شد روند تولید و تأمین برق هسته‌ای با مشکلات عدیده‌ای از جمله قطعی مکرر برق در دولت آقای روحانی مواجه شود.

گل‌عبودی هسته‌ای

دکتر فریدون خوسری؛ رئیس اسبق سازمان



انرژی فسیلی در نیروگاه‌های برق کشور است و دقیقاً به همین علت است که کشورهای پیشرفته با درک صحیح از این مطلب، عمده تمرکز تولید

شبه‌انرژی می‌طلبد تا تولید برق هسته‌ای کشور را که اکنون کمتر از دو درصد است را به‌سرعت به مقادیر بالاتر برسانیم.